



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۶/۱۵



عارف عباسی

پیشنهادی خدمت دوست محترم و گرامی ام آقای داوود ملکیار!

باید به صراحت، وضاحت و صادقانه بگویم که هر نوع یادی و بهر شیوه بیانی از آن سانحه جان گذار، از آن صحنه بی نهایت غم انگیز و درد آور و از آن عمل وحشیانه استخوان سوز سفاکان خون آشام پرچم و خلق، از آن قتل بی رحمانه طفلکان معصوم و زنان و مردان کهن سال بی دفاع توسط این مزدوران فرومایه و خیانت و جنایت گروه شرف باخته و بی وجدان در برابر ولی نعمت، حامی و رهنمای شان کسی را که رهبر خواندند و به قدمش سر به زمین می نهادند، دیگر نمی خواهم بخوانم و بشنوم.

خدایم شاهد است که اصلاً خیالم را اجباراً نمی گذارم که تصور آن صحنه را به فکرم راه دهد. فقط یک لحظه به نام انسان باید اندیشید که در آن لمحہ های خوفناک، وحشتناک و دهشتناک حالت روانی مخصوصاً این بره های در چنگال گرگ درنده چه بوده، واقعاً از تصور بعید است، سخت تکان دهنده و دردناک است، برای همه پدران و مادران پدر کلان ها و مادر کلان ها که حین فکر کردن به این صحنه نگاهی به اولاد و نواسه های خود بیندازد و خدای ناخواسته آن ها در چنین وضع تصور نمایند.

آیا ما شما فقط به نام انسان تصور کرده می توانیم که یک عضو خانواده را چه مجبور می سازد و چه حالتی برایش دست می دهد، اگر واقعاً چنین کرده باشد، که مغز جگر گوشه نازنین خود را خود پاشان سازد و همسر عزیز خود را بکشد و بعد به زندگی خود خاتمه دهد و برادر زخمی اش تضرع کند که مرا از این درد جانکاه رهایی بخش، یا ربی.

شما بیچارگی مردی را تصور کنید که در طول زندگی کس برایش گفته نتوانست که بالای چشمش ابروست همه عمر در مقام امر ونهی بود و در برابر هر کدام جز بلی نی نه شنیده، مرد با غرور و با هیبت و با عظمت که در خواب نی بلکه در بیداری عزیزان دلبنده خود را غرقه در خون بیند و کاری از دستش پوره نباشد، هم وطن تو حالت این پیر مرد قدرتمند را در ناتوانی و بیچارگی در چنین صحنه تصور کن. من همین حالا می نویسم و می گریم.

متأسفانه کنجکاوی و پالیدن تجسس و تفحص غم انگیز ترین ماجرای تأریخ کشور هیچ هدفی را برآورده نساخته فراهم آوری دستاویز برای جنایت کاران خلق و پرچم است.

تا امروز در گفتار و آثار کتبی اعضای پرچم و خلق مسئولیت این قتل فجیع دسته جمعی به کدام عضو خانواده منسوب نشده، و من یقین دارم که جناب ملکیار صاحب نیت سوء نداشته پای عداوت و خصومتی در میان نیست

حتماً اسنادی در دست دارند. اگر کتابی می نوشتند تحت عنوان اسرار قتل اعضای خانواده داوود خان شاید این اسناد قابل تذکر می بود.

بر گرداندن این صفحه برای انسان های با احساس قوی عاطفی یک شکنجه روحی است و از جانبی تبرئه یک گروه جنایت کار است.

بلی ! پرچمی و خلقی خود و بادر شان به ملیون ها افغان را به شمول اطفال زنان و کهن سالان را به ذرایع مختلف کشتند و البته خون هفده نفر اعضای خانواده داوود خان سرخ تر و پر بهاتر از خون اطفال دیگر افغانستان نبوده ولی هر سانحه نظر به چگونگی وضع و شرائط به حیث یک فاجعه در خور توجه و دقت است.

اگر محقق بر سیل ایجابات مسلکی در قتل عام پنجصد نفر در یک قریه از روایات مختلف استفاده می کند که بعضی می گویند توسط بمباردمان طیاره جت و دیگری می گویند توسط هلی کوپتر و اکثریت می گوید توسط فیر توپ و راکت صورت گرفته وظیفه او است و اما توضیح یک فاجعه ولو که افشای حقایق باشد و در جهان آزادی مطبوعات ممانعتی ندارد نظر به ملاحظات خاص و حساسیت ها و تکان دهنده بودن و دهشت ناک بودن صحنه و چگونگی وقوع، نشر و پخش آن صواب دیده نمی شود.

حتی در مطبوعات غرب از نشر بعضی صحنه های جنایات فجیع خودداری می شود و می گویند محتویات گرافیک است.

البته مخالفت نظر با شخص داوود خان، با کودتایش، با سازش، ائتلاف و تقسیم قدرت با خلقی و پرچمی با سیاست دکتاتوری جمهوریتش، با صحنه سازی مسخره و طفلانه لوی جرگه اش و نا اهلی و بی کفایتی رفقای مورد اعتمادش و گماشته کی جی بی با نفوذ روانی پهلوی او قرار داشتن موضوعات بکلی مجزا بوده من بار ها نظر خود را بدون بیم و هراس گفته و نوشته ام، هر عاقل و بالغی می دانست که جنون قدرت طلبی، خودخواهی و زجر از قدرت افتیدن سلامت قضاوت را از وی ربوده بود و یگانه آرزویش به قدرت رسیدن بود و بس و حب وطن و ترقی و اعتلا بهانه ای بیش نبوده ورنه هیچ عقل سلیم و افغان وطن پرست با پرچمی و خلقی قدرت را تقسیم نمی کرد پولیس ترافیک و ناکام چند ساله مکتب و فاکولته و تورن استحکام و شخص معتاد به چرس را وزیر نساخته توسط زاغ ها بونده نمی گرفت.

عاقبت جمهوریت داوود خان و سرنوشت زندگی اش را با این پیوند عاقل و دیوانه می دانست. ولی قتل اعضای خانواده داوود خان توسط باند وطن فروش خلق و پرچم یک جنایت فجیع بشری بوده باید مطابق ارزش های انسانی فارغ از دیگر ملاحظات مورد ارزیابی قرار گیرد.

در اخیر از دوست عزیزم محترم داوود ملکیار تقاضا دارم که این صفحه را ببندند این بحث را خاتمه بخشیده و در آرشیف شخصی خود نگهدارند ورنه خود بهتر می دانند و در اتخاذ هر نوع تصمیم مختار اند .

من آرزو ندارم که اسناد صوتی و یا تصویری این سانحه را بشنوم ویا ببینم.

پایان